

فخرنگر

سینما و سینما

سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۹

۱۲ ۲۴ شوال ۱۴۴۱ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۰ سال سی و سوم | شماره ۹۲۷۰ |



زندگی برایش زیبا بود

محمدعلی کشاورز، آدمی بزرگ و هنرمندی با نقش‌های ماندگار بود. آنچه موجب ماندگاری نقش‌آفرینی‌های زنده‌یاد کشاورز شد، نخست ارزش کیفی آثاری بود که او به خوبی در آن ایفای نقش کرده بود و دیگری شاخصه‌های رفتاری شخصیت فردی و تأثیر اجتماعی ایشان در برخورد‌های اجتماعی و فرهنگی این شخصیت بود. وی علاوه بر اینکه در حرفه هنرپیشگی، چیره‌دست و توانمند بود، انسانی فروتن و دوستدار مردم بود. عمیقاً باور داشت که عضوی از خانواده بزرگ ایرانی‌هاست و باید در این پازل اجتماعی، اثر گذار باشد که چنین بود. من در آثاری با ایشان همبازی بودم و دو بار در نقش پسرشان ظاهر شدم. صحبت‌هایی که در پشت صحنه با ایشان داشتم، برایم راهگشا بود. مثل یک پدر که با پسرش حرف می‌زند، می‌گفت همه ما به هم ربط داریم، هم گذشته‌و هم آینده ما، برای همین نمی‌توانیم خودخواهانه زندگی کنیم.

آقای کشاورز تسلط زیادی در بازیگری داشت و همین مهارتش موجب شده بود مورد توجه کارگردان‌های بزرگی باشد، حتی کارگردان‌هایی که از نظر سبک کاری نزدیک به هم نبودند. مثلاً ایشان با کارگردان‌هایی همچون عباس کیارستمی و فرخ غفاری که در انتخاب بازیگر بسیار حساس بودند، همکاری کرد. در حالی که دیگر بازیگران همنسل و هم‌دوره ایشان با این کارگردان همکاری نداشتند. این فیلم‌سازان، روشی را در سبک بازی کشاورز یافته بودند که در دیگر بازیگران همنسل او ندیده بودند. بازی‌های زنده‌یاد کشاورز بسیار به واقعیت نزدیک بود. تگاهی به کارنامه کاری آقای کشاورز نشان می‌دهد ایشان با چه کارگردان‌های متنوعی کار کردند. از کیارستمی بگیرید تاابراهیم گلستان . با تگاهی به نقش‌هایی که ایشان در آثار مختلف ایفا کرده، متوجه می‌شویم دنیای شخصیت‌هایی که روی پرده ساخته شده‌اند، تا چه اندازه با هم متفاوت هستند و این نشان از توانایی او در بازیگری داشت. اکنون برخی به بازیگران توصیه می‌کنند بازی نکنید و زندگی کنید در حالی که آقای کشاورزی می‌گفت باید بازی کنید ولی باورپذیر، چون باورپذیری نقش برای تماشاگر مهم است.

ایشان در حوزه مردم‌داری هم انسان متواضعی بودند. به یاد دارم برای جشنواره‌ای در جوار ایشان به اصفهان، زادگاهشان رفتم. با برداشن به محله و بازار قدیمی که روزگاری در آنجا رفت و آمد داشتند رفتم. برخورد کسبه با آقای کشاورز چنان صمیمی بود که گویی اعضای یک خانواده‌اند.

این رفتار دوستانه خیلی برایم جذاب بود، چون این احترام از اعماق دل بود، تعارف نبود. به همین دلیل محمدعلی کشاورز، جایگاه ارزشمندی در میان مردم داشت. بسیار دوست‌داشتنی و بامحبت بود، شوخ‌طبعی رنده‌ای داشت که نشأت گرفته از توجهش به جواب جزئی زندگی بود.

شناخت خوبی از هنرهای تجسمی داشت، چون دخترش نقاش بود و می‌خواست با تسلط مطالعاتی روی مکاتب نقاشی، به دخترش نزدیک‌تر شود. حتی مطالعات اجتماعی بالایی هم داشت. در مدح مقام استادی ایشان همین بس که با منش و رفتارش به من روش زندگی کردن را می‌موخت.

به یاد ندارم آقای کشاورز با کسی قهر باشد یا از کسی چنان آزرده‌خاطر شود که نامش را به نیکی یاد نکند. مقام انسانی و ارزش انسان در نگاه ایشان بسیار متجلی بود. نکته جالب اینکه در سنین پیری هم مثل جوان‌ها زندگی می‌کرد، می‌گفت جوانی و جوانه‌زدن، میل به زندگی را در ما زنده نگه می‌دارد. چنین به جانب عرفانی زندگی توجه می‌کرد و زندگی برایش بسیار زیبا بود. خدا بیامرزد این نیکو مرد را.



حمید جبلی خطاب به کشاورز:

خلاصه که کار خوبی نکردی!



سینما و سینما: حمید جبلی، بازیگر پیشکسوتی که در چند اثر ماندگار مانند فیلم «مادر» همبازی زنده‌یاد محمدعلی کشاورز بود، در یادداشتی خطاب به همبازی قدیمی‌اش از رفتن او نوشت، او که خیلی اهل گفت و گو نیست و به‌ویژه دشتش چندان به نوشتن یادداشت‌های یادبود برای همکارانش نمی‌رود، ولی این بار برای نگارش مطلبی با خاطره‌ای از محمدعلی کشاورز با او، طرح موضوع شد، دست به قلم شد و در پاسخ به درخواست ما یادداشتی برای این هنرمند نوشت.

این هنرمند با یادآوری بازی‌های مشترکی که با محمدعلی کشاورز داشته، در یادداشت خود که آن را در اختیار ایسنا قرار داده، نوشته است: «محمدعلی خان مردن هم دل خوش می‌خواهد.

استاد کشاورز حداقل می‌گذاشتی این وپروس عالم‌شوز تمام شود. حداقل می‌توانستیم به آن دنیا بدرقه‌ات کنیم، چرا این‌قدر مظلوم و تنها؟ کاش می‌شد همه با هم گریه کنیم. نه برای تو که حتماً جای بهتری می‌روی، برای خودمان که رفیقی و استادی را از دست دادیم. خلاصه که کار خوبی نکردی.

«هردی که موش شد» را یادت هست؟ چقدر با هم می‌خندیدیم. مرحوم احمد بهبهانی –نویسنده فیلم‌نامه – می‌گفت اگر شما نبودید، این قصه در نمی‌آمد. فیلم «مادر» که جای خودش را داشت، وقتی مرا به خانه راه نمی‌دادی، مرحومم چهاره‌زاد چقدر می‌خندید و می‌گفت پس از فیلم‌برداری همدیگر را مایج کنید و مرحوم علی حاتمی به ما می‌خندید که همدیگر را در آغوش می‌شیم.

فیلم «لشندگان» که بماند، همه با هم پر از خاطره برگشتیم. در «یک مرد یک خان» –چه شوخی‌هایی که با خرس نمی‌کردیم، مرحومم نادر، مرحوم گرمسیری و الان باید بگویم مرحوم محمدعلی کشاورز! باشد که روزی در آن دنیا همه با هم گروهی درست کنیم و همه دور هم باشیم. به امید دیدار». محمدعلی کشاورز ۲۵ خرداد ماه در سن ۹۰سالگی درگذشت و امروز ۲۷ خرداد ماه به خاک سپرده می‌شود.

درباره استاد محمدعلی کشاورز که دیگر تکرار نمی‌شود

اصالت داشت

ا سینما و سینما/ زهره کهندل| سال گذشته بود که محمدعلی کشاورز در فقدان همنشین دیرینش جمشید مشایخی گفت: «ما پنج نفر بودیم! پنج رفیق که در عرصه هنر همدیگر را جستیم. عمر رفاقت‌هایمان از ۶۰ سال گذشته بود. می‌دانید ۶ دهه رفاقت یعنی چه؟ اما حالا سه نفر از این جمع کم شدند. با اینکه از این فراق‌ها قلیم به درد می‌آید، اما شوق دیدار آن‌ها در جهان دیگر آرامم می‌کند. انگار ما باید رفاقت را در سرای دیگر هم بیاموزیم». حالا از آن پنج یار دیرین، محمدعلی کشاورز هم به جمع دوستانش عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی و جمشید مشایخی پیوسته و تنها علی نصیریان مانده است.

نمی‌توان از سریال‌های پرخطر ه تلویزیون یاد کرد و اسم محمدعلی کشاورز را به خاطر نیاورد؛ از «دایی جان ناپلئون» گرفته تا «سلطان و شیان»، «سربداران»، «هزاردستان»، «پدرسالار» و بسیاری دیگر از سریال‌های ماندگاری که با بازی زنده‌یاد محمدعلی کشاورز روی صفحه جادویی تلویزیون‌های قدیمی نقش بستند و تا سال‌ها بعد تکرار و ماندگار شدند.

محمدعلی کشاورز در حالی در سن ۹۰ سالگی راهی سفر ابدی شد که نقش‌های ماندگارش بر پرده سینما، صحنه اجرا و قاب تلویزیون، مهم‌ترین میراث ماندگارش محسوب می‌شود. هنرمندی که هم در سینما خوش درخشید و هم در تلویزیون و توانست آثار ماندگاری را از خود به جای بگذارد. درباره منش هنرپیشه‌ای که دیگر تکرار نمی‌شود، با چند تن از پیشکسوتان عرصه بازیگری گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

بازیگری برایش شوخی بردار نبود

آتش تقی‌پور، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، درباره زنده‌یاد کشاورز می‌گوید: وقتی برای نخستین بار در دهه ۴۰ به دانشکده هنرهای دراماتیک رفتم، ایشان با ملاقات کردم و در تئاتر «حکومت زمان خان» به کارگردانی آقای رکن‌الدین خسروی با ایشان همبازی بودم. ما این تئاتر را یک ماه روی صحنه بردیم که کار بسیار خوبی بود و استقبال زیادی از آن شد. از آنجا رفتارهای محترمانه و روابط انسان‌دوستانه آقای کشاورز را به یاد دارم.

وی با بیان اینکه زنده‌یاد کشاورز، یک انسان آزاده و وارسته بود، خاطرنشان می‌کند: این خصلت آزادگی را در نوع کارهایی که انتخاب می‌کرد و نوع برخوردش با اطرافیان می‌دیدیم. او آدمی بود که فراغ‌بال داشت، خوش‌راق و راست می‌گفت و از گفتن مشکلات و حرف حق ترسی نداشت. درس‌های زیادی از ایشان یاد گرفتیم و شاگردی‌شان را کردیم.

سینما

زنده‌یاد محمدعلی کشاورز و نقش‌های رنگارنگی که ماندگار شد

خشن دوست‌داشتنی

سینما و سینما: در میان نقش‌های رنگارنگ و خاطره‌سازی که زنده‌یاد محمدعلی کشاورز در گنجینه خاطرات مخاطبان به یادگار گذاشته است، چند نقش او درخخش و ماندگاری بیشتری دارند. شخصیت‌هایی که پنج دهه است مخاطبان سینما و تلویزیون با آن خاطره دارند. در ادامه نگاهی به ۶ نقش ماندگار در کارنامه این استاد می‌اندازیم.

«دایی جان سرهنگ»؛ درخشش در کنار ناپلئون!

شاید بتوان سریال «دایی جان ناپلئون» ناصر تقوایی را مهم‌ترین اثری دانست که کشاورز در سال‌های دهه ۵۰ و پس از بازی در فیلم رگبار، بازی کرد. او در این مجموعه تلویزیونی ایفاگر نقش «دایی جان سرهنگ» برادر دایی‌جان ناپلئون بود. شخصیتی ترسو و وابسته به برادر بزرگ‌تر که درجه واقعی او سرگرد بازنشسته ارتش است ، اما در یک میهمانی به حکم ضمنی دایی‌جان که او را «داداش سرهنگ» صدا کرد، همه به مرور عادت کردند او را آقای سرهنگ بنامند.

«اتابک اعظم»؛ محشتمر ریاکار و قدرت‌طلب!

کشاورز در «کمال‌الملک» علی حاتمی (۱۳۶۲) اتابک اعظم را با خصلت‌هایی همچون اشرافیت در رفتار و گفتار، تزویر، ربا، قدرت‌طلبی و مال دوستی برای همیشه ماندگار کرد. اتابک اعظم به فردی تبدیل می‌شود که بازی سیاسی‌ا را به خوبی بلد است و هنگامی که با پر خاش به شاه و درباریان در پی نجات کمال‌الملک از اتهام زدی است، بیشتر به فکر صعود خود از نردبان قدرت است.

اتابک اعظم در سال‌های انتهایی صدارت‌عزم مسافرت به مکه را می‌کند و موقعی که مظفرالدین‌شاه از او می‌پرسد از کدام مسیر می‌رود، به روسیه اشاره می‌کند و پاسخ شاه که «از این راه به خدا نمی‌رسی، حاجی» او را مکدر می‌کند.

«خواب‌گزار اعظم» طنز و با ملاح

کشاورز این ویژگی‌ها را در نقش خواب‌گزار اعظم سریال «سلطان و شیان» نیز این بار با ملاح و سادگی بیشتری ارائه می‌کند. نقشی که برخلاف اغلب آثار تاریخی که در آن بازی داشته بدون حضور پدیده‌ی و با صدای خوش در ذهن بینندگان جاودانه شده است. بازی در این دو اثر توانایی کشاورز در ایفای نقش‌های محشتم، اشرافی و قدرت‌طلب را به رخ می‌کشد. در «ناصرالدین‌شاه آکتور سینما» و «لشندگان» که اولی ساخته محسن مخملباف و دومی به کارگردانی علی حاتمی در سال ۱۳۷۰ ساخته شدند، کشاورز بار دیگر نقش چنین شخصیت‌هایی را با قدرت و بدون بازی و حرکات اضافه ارائه داد. به ویژه اینکه در فیلم نخست اندکی طنز را نیز در بازی خود به شخصیت افزود.

«شعبون استخوانی»؛ خونریز و هم‌انگیز!

در مجموعه ماندگار «هزاردستان» محمدعلی کشاورز

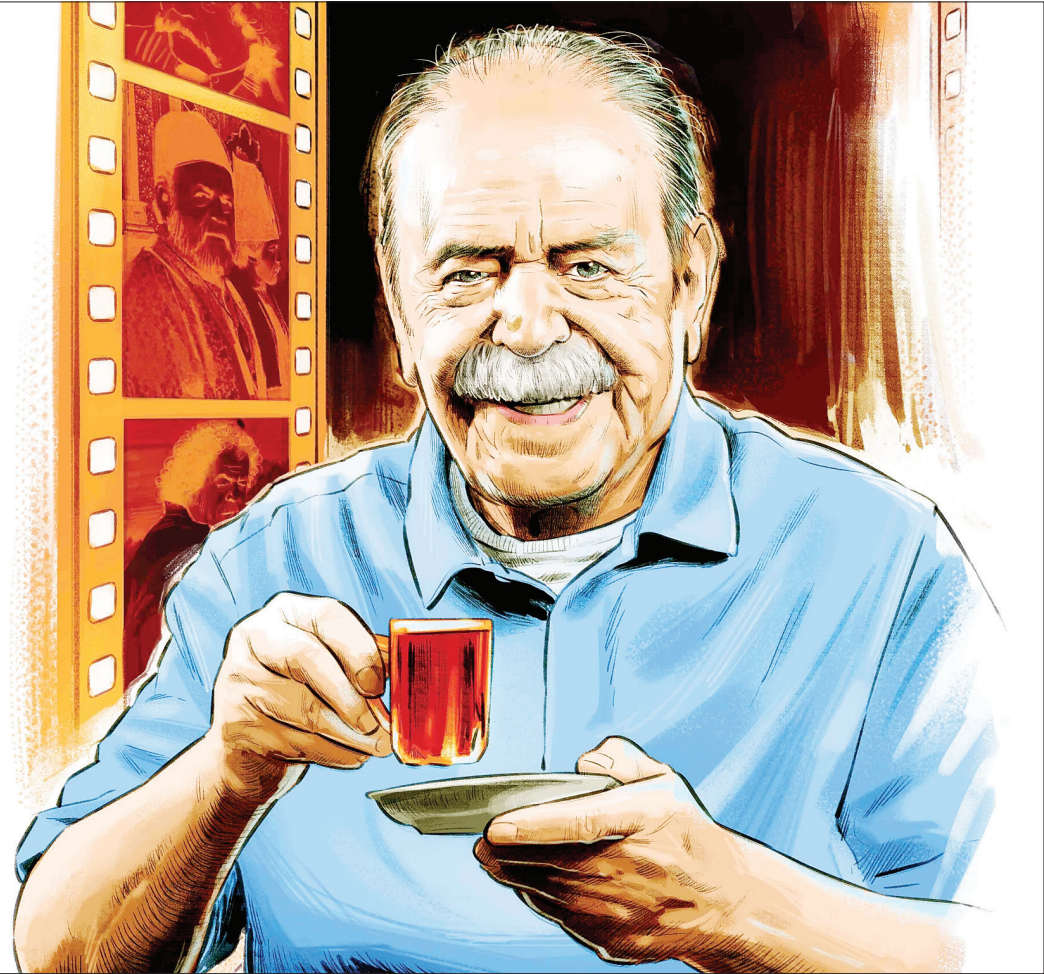
وجود داشتند که با نسل بازیگران امثال مرحوم

کشاورز، به درک و زبان مشترکی در کار رسیده بودند، برای همین آثارشان ماندگار شده است. وی با بیان اینکه نسل بازیگران همدوره آقای کشاورز، جایگاه و رسالت ویژه‌ای برای هنر و بازیگری قائل هستند که کمتر دیده می‌شود، یادآور می‌شود: امیدواریم جایشان خالی نماند. این‌ها در زمانی که تئاتر جدی بود، کار کردند و آدم‌های دلسوزی برای هنر ایران بودند که نسل بعدی خودشان را تربیت کردند و هیچ وقت تئاتر برایشان شوخی‌بردار نبود.

هنر برایش اصالت داشت

پروانه معصومی، بازیگر سینما و تلویزیون هم با بیان اینکه فقدان زنده‌یاد کشاورز، خسران بزرگی برای سینمای ایران است، می‌گوید: ایشان

انسان بسیار نیکي بودند و هیچ وقت حاشیه‌ای



در اطرافشان نشنیدم، هنرمندی بودند که هنر برایشان اصالت داشت.

وی یکی از دلایل ماندگاری نقش‌های کشاورز را در باورپذیری در ایفای آن نقش دانسته و می‌افزاید: گاهی فیلم‌هایی می‌بینم که بازیگر زور می‌زند بازی کنند، ولی آقای کشاورز آن‌قدر واقعی بازی می‌کرد که مخاطب آن را باور می‌کرد، به همین دلیل هنوز نقش حاج اسدالله در سریال «پدر سالار» در ذهن‌ها مانده است.

وی با بیان اینکه حرفه بازیگری برای نسل جدید بازیگران چندان جدی نیست، توضیح می‌دهد: ما نسل بازیگران قدیمی به حرفه‌مان احترام می‌گذاشتیم و حرمت بزرگ‌تراها را حفظ می‌کردیم، ولی اکنون احترام به قدیمی‌ها و بزرگ‌ترا خیلی کم شده است. به یاد دارم زمانی که ما کار می‌کردیم اگر بزرگ‌تری در کاری با ما هم‌بازی بود، به ایشان بسیار احترام می‌گذاشتیم ولی اکنون بازیگران جوان به سختی سلام می‌کنند! در این نسل

منش استاد، شاگردی وجود ندارد، چون استادی نداشته‌اند که در محضرش شاگردی کنند. نسل بازیگران قدیمی یاد گرفتند که باید پله‌پله رشد کنند و روابط محترمانه را حفظ کنند. شاید یکی از دلایل ماندگاری نقش‌ها و بازی‌های هنرمندان قدیمی به خاطر همین منش و روش درستشان در بازیگری بوده است.

دنیال حاشیه نبود

داریوش ارجمند، بازیگر سینما و تلویزیون با نکوداشت یاد زنده‌یاد کشاورز می‌گوید: این هنرمند بزرگ متعلق به نسلی است که منش

خوبی در هنر داشتند. این نسل از هنرمندان، آدم‌های نیکي بودند و آثارشان نشان می‌دهد بازیگری برایشان جدی بوده و اگر چنین نبود، ماندگار نمی‌شدند.

وی با اشاره به نسل قدیمی بازیگرانی همچون زنده‌یاد مشایخی، زنده‌یاد انتظامی، زنده‌یاد رشیدی و زنده‌یاد کشاورز، می‌گوید: از این نسل طلایی فقط آقای نصیریان مانده است. این نسل از تئاتر شروع کردند و خاک صحنه خورند. تمام ارزش‌هایی که در هنرشان دارند وام گرفته از روزگار هنرمندی‌شان در صحنه تئاتر است، چون جنس کار در تئاتر با سینما و تلویزیون فرق می‌کند و تمام کسانی که بازیگری را با تئاتر شروع کردند، در سینما ماندگار شدند.

ارجمند با بیان اینکه سریال‌هایی که آقای کشاورز بسازی می‌کرد در ذهن بسیاری از مخاطبان تلویزیون ماندگار شده است، خاطرنشان می‌کند: این نسل طلایی بازیگری در روزگار خوشی به نقش‌های ماندگارشان رسیدند. همه‌ای بزرگواران بسا زنده‌یاد علی حاتمی کار کردند و هنرپیشه فیلم‌های این کارگردان بزرگ سینمای ایران بودند. علی حاتمی، فیلم‌سازی تکرارشدنی بود و هنوز جانشینی ندارد. این نسل با چنین فیلم‌سازی کار کردند که آثارشان را ماندگار کرد.

وی ادامه می‌دهد: چندی پیش فیلم «کمال‌الملک» را می‌دیدم و بازی‌های تمام بازیگران در این اثر، درخشان بود. به نظرم یکی از دلایل مهم این بازی‌های درخشان، کارگردانی علی حاتمی بود. در واقع شکوفایی زنده‌یاد حاتمی بود که نقش‌آفرینی‌های ماندگار و فوق‌العاده‌ای را از این بازیگران گرفت. این فیلمساز، مرد یگانه‌ای در سینمای ایران بود که دیگر تکرار نشد.

وی یادآور می‌شود: نسل جوان سینما باید ببیند که نسل گذشته چه کردند. نسل گذشته، عاشق بودند، دنیال هنر بودند و نه دنیال حاشیه هنر.



توانست نام او را بر سر زبان‌ها بیندازد. این مجموعه با حضور چند چهره سینمایی و تلویزیونی سرشناس به یکی از آثار موفق کشاورز بدل شد و هنوز هم برخی به این نقش اشاره می‌کنند. شخصیت «اسدالله‌خان» با بازی کشاورز به پدري بدل شد که هم خانواده‌اش را دوست دارد و هم تحمل مخالفت آنان را ندارد.

در اینجا نیز کشاورز با استفاده از نگاهی نافذ و مکث‌ها و جوش‌وخروشی که هنگام شنیدن مخالفت فرزندان با خودش نشان می‌دهد، توانسته شخصیتی باورپذیر به این نقش بدهد. مخاطب هم از دخالت‌ها و زیاده‌خواهی‌های اسدالله خان رنجور می‌شود و هم دلسوزی این پدر مهربان برایش جذابیت دارد.

شاید یکی از ویژگی‌های مهم بازی کشاورز در نقش «اسدالله خان» تسلط او در پیاده‌کردن همین دو خصلت متفاوت است. او با تکیه بر حالت چهره و حرکات خود و سرعت بیان دیالوگ‌هایی که با دوبله احمد رسول‌زاده تکمیل شد، گاه چهره‌ای پرهمر و دل‌انگیز به خود می‌گرفت و گاه به گلوله‌ای از آتش و خشم تبدیل می‌شد.

اوج این خشم ناشی از اقتدار خشم‌خوره‌دهی می‌توان در سکانس معروف و تأثیرگذار به هم‌خورن میهمانی آشتی‌کنان دید. جایی که او با خشونت جنون‌آمیز روی شقاب‌های چیده شده در سفره پا می‌کوبید و از اینکه فرزندان، عروس و دامادهايش هر یک به بهانه‌ای او را ترک کرده‌اند، به شدت عصبانی بود.

بی‌مخ» گفته بود: «چیزی نزدیک به یک ماه فقط در مورد این شخصیت مطالعه کردم، مسافرت رفتم، به برخی محله‌های جنوب شهر می‌رفتم و با آدم‌های آنجا صحبت می‌کردم، به نحوه بیانشان دقت می‌کردم و حرکاتشان را به ذهنم می‌سپردم. همه این‌ها بعدها در حین کار بسیار کمکم کردند و توانستم در قالب این نقش فرو بروم».

«محمدابراهیم»؛ خشن دوست‌داشتنی «مادر»

بازی در مسادر (۱۳۶۸) در نقش محمدابراهیم، به همراه دیالوگ‌های نابي که حاتمی برای این شخصیت نوشته و نوع پوشش و موهای فر شده و دندان‌های طلا و خنده‌ها و خشم محمدابراهیم به عنوان خان‌داداش و نوع سیگار بر لب گذاشتنش و راه‌رفتن‌های توأم با لنگر انداختن و البته تا یکپه در دوبله منوچهر اسماعیلی، بیش از پیش موجب شد تا یقین حاصل کنیم که کشاورز بازیگری است که جلوه‌های بصری اگرچه در کامیابی‌هایش مؤثر بوده‌اند، اما این بازی او و انعطاف عجیبی که در اجرای نقش‌های مختلفی داشته است، بیش از پیش نام و چهره او را برای علاقه‌مندان بازی‌هایش پررنگ کرده است.

«اسدالله خان»؛ مستبد دلسوز!

پدرسالار (۱۳۷۲) ساخته مرحوم اکبر خواجه‌یوسی بار دیگر